

در داوري (۱)

از : غفور پاکنهاد

۱- پیشگفتار

داوري يکي از با سابقه‌ترین روش حل و فصل اختلافات در میان مردم می‌باشد. در ایران اسلامی از عهد باستان بویژه در عصر ساسانیان و در شبه جزیره عربستان قبل از ظهور اسلام رایج بوده و ترازوی عدالت یادگار شیوه حقوقی داوري مصریان است و در جهان اسلام نیز شیوه داوري دارای اصل امضایی شد.^۱ تأملی در قرآن کریم و توجه به شأن نزول و تفاسیر آیات مربوط به قضا و داوري ماهیت قرآنی داوري را بنحو شایسته‌ای می‌نماید و به حق و عدل و موافق منزله خداوند متعال حکم کردن و پیرو هوای نفس نبودن اساس داوري در اسلام محسوب می‌گردد و بلوغ و عقل و ایمان و عدالت و علم به مبانی فقهی، فضل و صبر و استقلال در رأی به لحاظ تسلط بر هوای نفس از اهم اوصاف و شرایط قاضی و داور می‌باشد.

در هر يك از سیستمهای حقوق داخلی ضوابط و مقرراتی منظم راجع به (داوري) وضع گردیده که یا بطور مستقل و بعنوان قانون مشخص (همانند سوئیس و انگلستان) و یا بصورت جزئی از يك قانون معین (مثل ایران و فرانسه) تدوین شده است و مهمترین قضیه‌ای که در خصوص ماهیت داوري وجود دارد مسئله اعتبار و نفوذ قرارداد داوري است و باید مانند هر قرارداد دیگری شرایط صحت معاملات (قصد و رضای طرفین - اهلیت آنها - موضوع معین که مورد معامله - مشروعیت جهت معامله - عدم مخالفت قرارداد با نظم عمومی) را داشته باشد.

مهمترین نکته‌ای که باید در این خصوص مورد توجه کامل قرار داده شود این است که آیا طرفین حق دارند به موجب قرارداد اختلاف خود را خواه قبل و خواه بعد از بروز آن، به داوري يك یا چند نفر یا شخص مخصوصی واگذار نمایند؟

مقررات داوري اولین بار در قانون موقتی اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۲۹۰/۸/۱۸ پیش‌بینی شده و سپس قانون حکمیت در ۱۳۰۶/۱۲/۲۹ به تصویب رسیده و متعاقباً در قوانین مصوب ۱۳۰۷ و ۱۳۱۳ و ۱۳۱۸ و بالاخره در قانون آیین دادرسی مدنی

۱- تحیکم (داوري) و احتکام (داوري کاهنان) چون ریشه در همبستگی و روش رایج دادرسی در میان عرب جاهلی به شمار می‌آمده است، لذا پیامبر گرامی اسلام اصل آن را تایید (امضاء) فرموده اند.

مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ در فصل هفتم از مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ به داوری اختصاص داده شده است. در حقوق ایران در برخی از قوانین مانند قانون مالک و مستأجر - قانون راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلس در معاملات دولتی (۱۳۳۷) - قانون حمایت خانواده و آیین‌نامه‌های معینی مسئله داوری بنحوی مورد استفاده قرار داده شده است.



۲- تعریف

داوری، حکم میان نیک و بد، حکم میان دو خصم، قضیه که پیش داور برسد، از میان برخاستن اختلاف و... آمده است و داوری کردن حکم کردن بین اختلاف اشخاص را می‌گویند و بالتبع محل داوری در واقع دارالعدالت محسوب می‌گردد. در اصطلاح حقوقی داوری عبارتست از فصل خصومت به توسط غیر قاضی و بدون رعایت تشریفات رسمی رسیدگی به دعاوی در دادگاهها. عبارت دیگر هرگاه بین دو یا چند شخص اختلافی وجود داشته و برای رفع این اختلاف به اشخاص واجد شرایط و دارای صلاحیتی مراجعه نمایند تا بصورتی غیر از آنچه در محاکم انجام می‌پذیرد نسبت به رفع اختلاف تصمیم‌گیری شود این عمل را داوری و آن شخص یا اشخاص را داور می‌نامند.

قانونگذار بدون تعریف مستقلی از داوری یا حکمیت در ماده (۴۵۴) آ. د. م. مقرر داشته است: « کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوی دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاهها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی



باشد به داوری يك يا چند نفر ارجاع دهند.» و طبق ماده (۴۵۵) آ. د. م. متعاملین می‌توانند ضمن معامله ملزم شوند و یا به موجب قرارداد جداگانه تراضی نمایند که در صورت بروز اختلاف بین آنان به داوری مراجعه کنند و نیز می‌توانند داور یا داوران خود را قبل یا بعد از بروز اختلاف تعیین نمایند. با توجه به احکام صریح مذکور داوری با رسیدگی قضایی متفاوت بوده و در داوری افراد مطابق مقررات اجازه یافته‌اند که رسیدگی به اختلافات خود را از دخالت مراجع رسمی دور کرده و تحت حکومت افراد غیر رسمی واجد شرایط مورد وثوق قرار دهند. بنا به مراتب مذکور می‌توان داوری یا حکمیت را چنین تعریف کرد:

*** داوری عبارتست از پذیرش حکمیت داور با شرایط خاص توسط طرفین دعوی به اراده آنها و یا در موارد خاص مطابق تصمیم دادگاه و مناط حل اختلاف و قاطع دعوی قرار دادن موضوع اختلاف فیما بین.***

۲- انواع داوری

داوری را می‌توان به سه نوع تقسیم‌بندی نمود:

الف - داوری اجباری:

نوعی از داوری است که ارجاع دعوی یا اختلاف به صورت داوری موکول و موقوف به توافق طرفین اختلاف بر داوری نباشد. در مواردی دادگاه رأساً حل مسائلی را به داوری ارجاع می‌دهد و طرفین نقشی در این موارد ندارند و در برخی از قوانین به آنها اشاره شده است مانند ماده (۵) قانون حمایت خانواده که می‌گوید: دادگاه مکلف است به تقاضای هر يك از طرفین دعوی را به استثنای رسیدگی به اصل نکاح و طلاق يك تا سه داور ارجاع نماید و در صورتی که مقتضی بداند رأساً نیز دعوی را به داوری ارجاع خواهد کرد. این داوری تابع شرایط داوری در آیین دادرسی نبوده و مدت اعلام نظر داوران از طرف دادگاه تعیین می‌شود و در صورت عدم وصول نظر داوران در مهلت مقرر دادگاه رأساً رسیدگی می‌نماید مگر اینکه طرفین به تمديد تراضی کنند یا دادگاه تمديد مدت را مقتضی تشخیص دهد.

ب - داوری اختیاری (به تراضی):

نوعی از داوری یا حکمیت می‌باشد که طرفین دعوی با تراضی هم تصمیم می‌گیرند تا حل اختلاف آنها از طریق داوری انجام و تابع حکومت داوران منتخب خود در موضوع اختلاف باشند. بدین جهت است که داوری را حکمیت و داور را نیز حکم می‌نامند.

داوری اختیاری نیز به دو نوع تقسیم می‌شود.

۱- طرفین دعوی قبل از اینکه اختلافی حادث شود مثلاً هنگام عقد قرارداد و در ضمن قرارداد قید می‌نمایند که حل اختلافات فیما بین با داور یا داوران مورد تراضی آنهاست و به ارجاع امر به داوری قبل از بروز اختلاف معروف می‌باشد.

۲- طرفین دعوی بعد از بروز اختلاف فیما بین به موجب قرارداد علیحده، ملتزم می‌شوند که در صورت بروز اختلاف بین آنها رفع اختلاف به داوری ارجاع داده شود.

ج - داوری قراردادی:



عبارتست از نوعی حکمیت داوران ناشی از قرارداد که طرفین به تراضی اراده خود را بر حل و فصل دعاوی یا اختلافات ناشی از معاملات در قرارداد فیما بین تصریحاً درج می‌نمایند. امروزه در اغلب قراردادهای منعقد شده بین اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی، نحوه حل اختلافات ناشی از موضوع و مفاد قرارداد بطور صریح و روشن و منجز در متون قراردادهای مربوط درج و غالباً بصورت داوری انجام می‌پذیرد و شامل هر گونه قراردادها اعم از اقتصادی، بازرگانی و فنی و تخصصی، خدماتی و فرهنگی و... می‌باشد.

۴-قرارداد داوری و انواع داور

قرارداد داوری عبارتست از سندی که حکایت دارد از توافق طرفین معامله مبنی بر ارجاع هرگونه اختلاف که بعد از انجام معامله آنان ممکن است حاصل شود. خواه این توافق بصورت عقد مستقل انجام پذیرد، خواه بنحو شرط ضمن عقد اعمال شود و نیز چنانچه داور یا داوران را در آن توافقنامه معین کرده باشند و یا به موضوع داوری و حکمیت اشاره شده باشد. علی‌الاصول در قراردادهای منعقد شده بین اشخاص فصل یا بخش مشخصی به چگونگی حل اختلاف اختصاص داده شده و طی آن نحوه حل و فصل، مرجع داوری و یا داوران، شرایط و محدوده تصمیم‌گیری آنها را معین می‌نمایند.

داور در اصطلاح حقوقی عبارتست از کسی یا اشخاصی یا مرجعی که توسط طرفین قراردادها برای حکمیت انتخاب می‌شود تا در خصومتی به شیوه‌ای غیر از دادرسی قضایی داوری نماید و چون موضوع مورد ارجاع به داوری اعم است از اینکه قابل طرح در دادگاهها یا محاکم بین‌المللی باشد یا خیر می‌توان داور را به صورت ذیل مطرح نمود:

- الف - داور اختصاصی: به داورانی گفته می‌شود که از طرف یکی از طرفین قرارداد یا دعوی انتخاب شده باشد.
- ب - داور ثالث: داورانی هستند که مبعوث طرفین قرارداد یا دعوی بوده و مورد قبول هر دو طرف قرارداد یا دعوی می‌باشند.
- ج - داور مشترک: همان داور ثالث و یا سر داور است. البته سر داوری یا حکم مشترک در موردی تحقق پیدا می‌کند که اولاً: طرفین چند داور داشته باشند. ثانیاً: تعداد داوران اختصاصی هر طرف مساوی تعداد داوران اختصاصی طرف دیگر باشد. ثالثاً: یک داور که مورد قبول هر دو طرف باشد به جمع



داوران اضافه شود . سر داور یا داور مشترک
علي‌الاصول در مقابل داور اختصاصي استعمال مي‌شود .

۵- اصول داوري

نظر به اينکه رسيدگي يا قضاوت و بعبارت ديگر حکميت در داوري به شيوه‌اي غير از دادرسي قضايي در دادگاههاست بنا بر اين رعايت اصول و قواعدي در اينگونه فصل خصومت ضروري است .

الف - قاعده عدل و انصاف : قاعده عدل و انصاف ناشي از حسن برقراري موازنه حقوق در انسان و بالتبع مبتني بر عقل و وجدان آدمي است و يکي از ضروري‌ترين اصول داوري محسوب مي‌شود .

ب - قاعده تساوي : مطابق قانون اساسي و به اقتضاي مباني اخلاقي و ارزشي همه در برابر قانون يکسان هستند و احترام به حقوق ديگران بنحو مؤکد در ميان جوامع مطرح است . بنا بر اين لزوم رعايت حقوق اشخاص در جامعه بعنوان قاعده تساوي مورد عنايت خاص هر داوري است . خواه طرفين افراد باشند، خواه افراد و سازمانهاي دولتي يا اشخاص حقوقي .

ج - تناسب منطقي : که در حقيقت ابزار مقبول و مناسب استنباط احکام و اجتهاد است و هر داوري مي‌بايست بر مبناي معيارهاي محکم و جاري و ساري در روابط منطقي انسانها حکم کند . بدین ترتيب اصل تناسب منطقي از محوري‌ترين قواعد داوري است .

د - قاعده حقوقي : قواعد حقوقي خواه ناشي از بيان علمي علم حقوق و يا ضمن قانون معيني گفته شده باشد و يا از بديهيات عقلي و عرفي بوده باشد يکي از قواعد مسلم داوري است .

هـ - قاعده يقين : عبارت از حصول اطمینان حقيقي و قلبي بر حق بودن طرفين اختلاف يا دعوي به نسبت مشخص و معيني از ادعاهاي مطروحه بعنوان مثال در داوري يك موضوع مهندسي بين كارفرما و پيمانكار توجه لازم و كافي به استانداردها و اصول مربوط به همان موضوع مهندسي مي‌تواند محوري‌ترين ملاک يقيني در احراز حق و بالتبع حکميت و داوري تلقي گردد .

و - قائم به ذات نبودن داوري : چون تحقق داوري منوط به ارادة طرفين دعوي است بنا بر اين تراضي طرفين براي نبودن داوري ، موضوع منتفي خواهد بود و طبق ماده (۴۸۱) آ . د . م در موارد زير داوري از بين مي‌رود :

۱- با تراضي کتبي طرفين دعوي

۲- با فوت يا حجر يکي از طرفين دعوي

ز - مسئوليت داور : ضمان داور در جبران خسارت مبتني بر مسئوليت مطلق نيست و مستنداً به ماده (۵۰۱) آ . د . م هرگاه در اثر تدليس ، تقلب ، تقصير در انجام وظيفه داوران ضرر مالي متوجه يك طرف يا طرفين دعوي گردد داوران برابر موازين قانوني مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود .

ح - تحديد صلاحيت داور : از حيث اهميت موضوع و مطابق صلاحديد قانونگذار ارجاع بعضي دعاوي به داور جايز نمي‌باشد و به

موجب ماده (۴۹۶) آ . د . م دعاوی زیر قابل ارجاع به داوری نیست .

۱- دعوی ورشکستگی

۲- دعاوی راجع به اصل نکاح و فسخ آن ، طلاق و نسب

ط - صیانت از قوانین موجد حق و اسناد رسمی

براساس ماده ۴۸۹ آ - د - م رأی داوری در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد:

- ۱- رأی صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد .
 - ۲- داور نسبت به مطلبی که موضوع داوری نبوده رأی صادر کرده است .
 - ۳- داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادره نموده باشد در اینصورت فقط آن قسمت از رأی که خارج از اختیارات داور است ابطال می‌گردد.
 - ۴- رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد .
 - ۵- رأی داور با آنچه که در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوی در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد .
 - ۶- رأی به وسیله داورانی صادر شده که مجاز به صدور رأی نبوده‌اند .
 - ۷- قرارداد رجوع به داوری بی‌اعتبار بوده باشد .
- بنا بر مطالب مصرح و منجزی که قانونگذار بیان کرده است یکی از اثر گذارترین و مهمترین اصول داوری رعایت کلیه مقرراتی است که برای اشخاص ایجاد حقی کرده است و یا اشخاص مطابق اسناد رسمی اقدام به توافق کرده‌اند .

ی - فقد صلاحیت قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی ولو با تراضی

نظر به اینکه ماهیت داوری پذیرش حل و فصل دعوی یا رفع اختلاف بین اشخاص می‌باشد ، لذا در صورتی که قضایی یا کارمندی از محاکم قضایی داوری امری را انجام دهد نقض غرضی آشکار است و در ماده ۴۷ آ . د . م آمده است که کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی نمی‌توانند داوری نمایند هر چند با تراضی طرفین باشد .

ک - اختیاری بودن قبول داوری مطابق ماده ۴۶۵ آ .

د . م

در هر مورد که داور یا داوران وسیله یکطرف یا طرفین انتخاب می‌شود انتخاب‌کننده مکلف است قبولی داوران را اخذ نماید . ابتدای مدت داوری روزی است که داوران قبول داوری کرده و موضوع اختلاف و شرایط داوری و مشخصات طرفین و داوران به همه آنها ابلاغ شده باشد . بنابراین بدیهی است که اصل حاکمیت اراده اجازه نمی‌دهد که داوری بدون رضایت داور بر او تحمیل شود .

ل - قاعده الزام قانون اساسی

در اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است : صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری



در هر مورد موکول به تصویب هیات وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز رسد موارد مهم را قانون تعیین می‌کند. خیرگان قانونگذار در تدوین قانون اساسی در خصوص اموال عمومی و دولتی دو نوع الزام (اطلاع و تصویب) قائل شده است.

الزام به مجلس شورای اسلامی در کلیه مواردی است که مربوط به اموال عمومی و دولتی و در داخل کشور می‌باشد و الزام به تصویب مجلس شورای اسلامی در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و یا کلیه موارد مهم داخلی البته بعد از تصویب هیات وزیران در این ارتباط ماده ۴۵۷ آ - د - م مقرر داشته است. ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیات وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. در مواردی که طرف دعوی خارجی و یا موضوع دعوی از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است.

م - قاعده رد صلاحیت داور

طبق ماده ۴۶۹ آ - د - م دادگاه نمی‌تواند اشخاص زیر را به سمت داور معین نماید مگر با تراضی طرفین.

- ۱- کسانی که سن آنان کمتر از بیست و پنج سال باشد.
 - ۲- کسانی که در دعوی ذینفع باشند.
 - ۳- کسانی که با یکی از اصحاب دعوا فرابت سبی یا نسبتی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشد.
 - ۴- کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل و یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا باشند یا یکی از اصحاب دعوی مباشر امور آنان باشد.
 - ۵- کسانی که خود یا همسرانشان وارث یکی از اصحاب دعوی باشند.
 - ۶- کسانی که با یکی از اصحاب دعوی یا با اشخاصی که فرابت نسبی یا سبی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوی دارند در گذشته یا حال دادرسی کیفری داشته باشند.
 - ۷- کسانی که خود یا همسرانشان و یا یکی از اقر بالا سبی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوی یا زوجه و یا یکی از اقر بالا نسبی یا سبی تا درجه دوم از طبقه سوم او دادرسی مدنی دارند.
 - ۸- کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان.
- البته چنین موارد رد صلاحیت افراد از باب عدم صلاحیت ذاتی نیست بلکه با توجه به خوف از یک نوع جانبداری و حمایت داورانی با مشخصات فوق‌الذکر است.

ن - عدم امکان عزل داور

بعد از تعیین داور یا داوران طرفین حق عزل آنان را ندارند مگر با تراضی (ماده ۴۷۲ ق . آ . د . م).

س - عدم تبعیت از مقررات آ . د . م

مطابق ماده (۴۷۷ آ . د . م) داوران در رسیدگی و صدور رأی تابع مقررات آیین دادرسی نبوده ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت نمایند و چنانچه در مقدمه شرح



داده شد ماهیت و طبع داورى عدم رعایت تشریفات و ضوابط مقرر در آیین دادرسی مدنی است .

ع - دادگاه ضامن اجرای رأی داورى

داور ابزاری به منظور اجرای رأی خود در اختیار ندارد چنانچه در ماده ۴۸۸ آ . د . م تصریحاً مقرر گردیده است . هرگاه محکوم علیه تا بیست روز بعد از ابلاغ رأی داورى را اجرا ننماید ، (دادگاه ارجاع‌کننده دعوی به داورى) و یا (دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به افعال دعوی را دارد) مکلف است به درخواست طرف ذینفع طبق رأی داور برگ اجرایی صادر کند در اینصورت اجرای رأی برابر مقررات قانونی می‌باشد .

خ - حکم به بطلان رأی داور با دادگاه است

با توجه به حمایت قانونی از امر داورى در موارد بند (ط) هر يك از طرفین می‌تواند ظرف ۲۰ روز بعد از ابلاغ رأی داور از دادگاهی که دعوی را ارجاع به داورى کرده یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را دارد حکم به بطلان رأی داور نخواهد در اینصورت دادگاه مکلف است به درخواست رسیدگی کرده و هرگاه رأی از موارد مذکور در بند (ط) باشد حکم به بطلان آن دهد و اگر چنین شود براساس ماده (۴۹۰ آ . د . م) رأی داور متوقف خواهد ماند .

ض - حق الزحمه داورى

علی‌الاصول میزان حق الزحمه داورى براساس آیین‌نامه است که هر سه سال یکبار توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید (ماده ۴۹۸ آ . د . م) چنانچه بین داور و اصحاب دعوی قراردادی در خصوص میزان حق الزحمه منعقد شده باشد برابر قرارداد عمل خواهد شد (ماده ۵۰۰ آ . د . م) و در صورت تعدد داور حق الزحمه بالسویه بین آنان تقسیم می‌شود (ماده ۴۹۹ آ . د . م) و اگر در قرارداد داورى در خصوص پرداخت حق الزحمه داوران ترتیب دیگری داده نشده باشد به موجب ماده (۴۹۷ آ . د . م) پرداخت حق الزحمه داوران بعهده طرفین دعوی است .

ق - عدم تاثیر رأی داورى به اشخاص

بدیهی است که رأی داورى فقط درباره طرفین دعوی و اشخاصی که دخالت و شرکت در تعیین داور داشته‌اند و قائم مقام آنان معتبر است و مطابق ماده (۴۹۵ آ . د . م) نسبت به سایر اشخاص تاثیری نخواهد داشت .

۶- اجرای رأی داور

رأی داور در مورد طرفین دعوی و اشخاصی که دخالت و یا شرکت در تعیین داور داشته‌اند و یا قائم مقام آنان اجرا می‌شود و اعتراض به رأی داور مانع اجرای آن نیست (ماده ۴۹۳ آ . د . م) مگر آنکه دلایل اعتراض قوی باشد . در اینصورت دادگاه قرار توقف منع اجرای آن را تا پایان رسیدگی به اعتراض و صدور حکم قطعی صادر می‌نماید و در صورت اقتضاء تامین مناسب نیز از معترض اخذ خواهد شد و اگر دعوی در مرحله فرجامی باشد و طرفین با توافق تقاضای ارجاع امر به داورى بنمایند یا مورد از موارد ارجاع به داورى تشخیص داده شود دیوانعالی کشور پرونده را برای ارجاع به داورى به دادگاه صادرکننده



رأی فرجام خواسته ارسال می‌دارد (ماده ۴۹۴ آ. د. م.) و رأی داوری در این قسمت برای طرفین دعوی لازم‌الاجرا خواهد بود و در مواقعی که اصل دعوی در دادگاه مطرح بوده و از این طریق به داوری ارجاع شده باشد در صورت اعتراض به رأی داور و صدور حکم به بطلان آن رسیدگی به دعوی تا قطعی شدن حکم بطلان رأی داور متوقف می‌ماند. (ماده ۴۹۱ آ. د. م.) و چنانچه ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه نبوده و ناشی از توافق طرفین بوده باشد در صورت باطل گردیدن رأی داور رسیدگی به دعوی در دادگاه با تقدیم دادخواست بعمل خواهد آمد.

۷- ابلاغ رأی داوری

چگونگی ابلاغ رأی داوری در قراردادی که بین طرفین منعقد می‌گردد پیش‌بینی می‌شود و چنانچه در قرارداد نسبت به ابلاغ رأی تصمیمی گرفته نشده باشد داور مکلف است به موجب ماده (۴۸۵ آ. د. م.) رأی خود را به دفتر دادگاه ارجاع‌کننده دعوی به داور یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را دارد تسلیم نماید. در اینصورت دفتر دادگاه اصل رأی را بایگانی نموده و رونوشت گواهی شده آن را به دستور دادگاه برای اصحاب دعوی ارسال می‌نماید.

۸- اصلاح رأی داوری

تصحیح رأی داوری در حدود ماده (۳۰۹ آ. د. م.) قبل از انقضای مدت داوری رأساً با داور یا داوران است (ماده ۴۸۷ آ. د. م.) و پس از انقضای آن تا پایان مهلت اعتراض به رأی داور به درخواست طرفین یا یکی از آنان با داور یا داوران صادرکننده رأی خواهد بود. داور یا داوران مکلفند ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ تقاضای تصحیح رأی اتخاذ نمایند. رأی تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد و در اینصورت رسیدگی به اعتراض در دادگاه تا اتخاذ تصمیم داور یا انقضای مدت یاد شده متوقف می‌ماند.

* امیدوار است موضوع داوری برای همکاران محترم ذیحساب و حسابرسان گرانقدری که پیرامون وظایف محوله ناگزیر از اجرا و تطبیق و رسیدگی و حسابرسی قراردادهای دولتی در وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت و در محدوده قوانین و مقررات مزبور اعم از عمومی و اختصاصی هستند موثر بوده باشد و با توجه به تجربیات سه دهه اخیر در قراردادهای بین المللی از زمان مطالعه و تعیین چارچوب قرارداد یکی از روشن ترین و محکمترین بخشهای هر قراردادی را داوری تلقی نمائیم تا حقوق عامه کاملاً رعایت و جهت به اصول و قواعد حقوقی و فقهی به تضییع حقوق امتی و ادارمان ن سازند.

